بررسی تأثیر آموزش جنسی بر کاهش تعارض زوجین شهر اصفهان

مرضیه شاه سیاه[۱]، فاطمه بهرامی[۲]، عذرا اعتمادی[۳]، سیامک محبی[۴]

چکیده

مقدمه: تعارض، پدیده‌ای غیر قابل اجتناب میان همسران می‌باشد. زوجین به دلیل همکاری و تصمیمات مشترکی که می‌گیرند، درجات مختلفی از استقلال و همبستگی را نشان می‌دهند. درجات بالای استقلال و همبستگی، باعث فروپاشی خانواده می‌شود. بررسی ارتباط میان تأثیر آموزش جنسی بر کاهش نمره کل تعارض زناشویی و ابعاد آن شامل ارتباط با همسر، رابطه جنسی و نقش‌های مساوات طلبانه، از اهداف تحقیق حاضر بود.

روش‌ها: پژوهش حاضر، به روش نیمه تجربی و از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. نمونه آماری تحقیق ۳۰ زوج (۶۰ نفر) از زوجینی بودند که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی از فرهنگ‌سرای خانواده شهر اصفهان انتخاب و به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه استاندارد تعارض زناشویی بر اساس مقیاس لیکرت و مشخصات دموگرافیک بود.

یافته‌ها: نتایج پژوهش با آزمون تحلیل کوواریانس، حاکی از تأثیرآموزش جنسی در کاهش تعارض زناشویی ($P < ۰/۰۵$، $F = ۴۱۶/۹$)، خرده مقیاس‌های ارتباط با همسر ($P < ۰/۰۵$، $F = ۷۵/۲$)، رابطه جنسی ($P < ۰/۰۵$، $F = ۳/۵۴$) و نقش‌های مساوات طلبانه ($P < ۰/۰۵$، $F = ۳۲۱/۶۰$) بود.

نتیجه‌گیری: آموزش جنسی می‌تواند با افزایش ارتباطات مطلوب عاطفی، احساسی در زوجین باعث افزایش رضایت و کاهش تعارض میان آن‌ها شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش جنسی، تعارض زناشویی، زوجین.

نوع مقاله: *تحقیقی*

دریافت مقاله: ۹۰/۶/۴ *پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۲۰*

مقدمه

تعارض می‌تواند بر موفقیت یا شکست یک رابطه تأثیر جدی داشته باشد. Olson و Faverz (به نقل از Young و Luquis) زوجین متعارض را زوجینی می‌دانستند که از عادات و ویژگی‌های همسرشان ناراضی هستند و مشکلاتی را در حوزه‌های ارتباطی، نحوه گذراندن اوقات فراغت، روابط جنسی، اختلاف با دوستان همسر یا خانواده او گزارش می‌کنند. وجود تعارض زناشویی ناشی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی است و زمانی شدت می‌یابد که احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت، سوء رفتار کلامی و فیزیکی بر روابط زوجین حاکم شود (۱).

از نظر Kirecher و همکاران (به نقل از فرحبخش) درگیری و تعارض در روابط زن و شوهر به خاطر تصمیمات مشترکی که اتخاذ می‌کنند، امری طبیعی است. شدت تعارض

۱- کارشناس ارشد، گروه مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: marzie_shahsiah@yahoo.com

۲- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳- استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۴- مربی، دانشگاه علوم پزشکی قم و دانشجوی دکتری تخصصی، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

می‌تواند در دامنه‌ای از تفاوت آشکار در نظرات زوجین تا اختلافات جدی در اهداف، ارزش‌ها و آرزوها را در بر گیرد. آن‌ها عقیده دارند تعارض در ارتباطات نزدیک، امری اجتناب ناپذیر است (۲). Tomas و همکاران به نقل از قربانعلی‌پور بیان داشته‌اند فرایند تعارض، زمانی رخ می‌دهد که یکی از طرفین درک کند، طرف مقابلش اجازه بروز برخی مسایل را به او نداده است، (۳).

Rice تعارضات را به دو دسته سازنده و مخرب تقسیم نموده است. تعارض سازنده، موضوعی است که در آن صحبت در مورد مشکلات منجر به درکی کامل‌تر در جهت مصالحه، توافق یا حل مشکل می‌شود و همچنین موجب کاهش هیجانات منفی، ایجاد احترام و اعتماد می‌شود و باعث می‌گردد طرفین همدیگر را درک کنند. تعارض مخرب، تعارضی است که فرد مقابل را بیشتر از مشکل مربوط درگیر کند و موجب شرمندگی، تحقیر، تنفر، اهانت و یا حتی تنبیه شود. تعارض مخرب، با عدم ارتباط واقعی، شک و تردید مشخص می‌شود و گاهی بر پایه استراتژی‌های فردی، باعث ایجاد زمینه اضطراب می‌گردد (۴).

فقیرپور اظهار داشت همه زوجین سطوحی از تعارض را تجربه می‌کنند. این تعارض‌ها موجب کاهش ثبات روابط و افزایش فرصت‌های خاتمه روابط می‌شود. بلامستین و شوارتز به نقل از فقیرپور دریافتند زوج‌هایی که تعارض‌هایی در زمینه پول، اشتغال زنان، قدرت، تقسیم کار خانه یا روابط جنسی را تجربه می‌کنند، به احتمال بیشتری جدا می‌شوند تا زوج‌هایی که در زمینه‌های دیگر تعارض دارند (۵). Baucom و همکاران عوامل خطرساز رابطه زوجی و به عبارتی عوامل تعارض را به شرح زیر فهرست نموده‌اند: ارتباطات ضعیف، تفاوت‌های شخصیتی، آسیب روانی یا مسایل حل نشده، فرآیندهای تعاملی دوجانبه، عوامل محیطی، مقابله به مثل، مسایل مالی، فرزندان، خانواده و دوستان، مسایل مذهبی و مسایل جنسی (۶).

Beck بیان نمود رابطه جنسی زن و شوهر مهم‌ترین علت تعیین کننده زندگی زناشویی است. با این حال، ارتباط با شکست و خشم طرفین از هم می‌پاشد. بیشترین گرفتاری‌های مربوط به روابط جنسی، حول محور تعداد برقراری روابط جنسی، زمان ارضا و کیفیت آن دور می‌زند. هر کدام از این موارد، معنای خاصی را تداعی و در روابط زوجین تأثیرگذار است. زن و شوهر اغلب درباره دفعات برقراری رابطه جنسی و زمان آن اختلاف نظر پیدا می‌کنند. غرور، هم اغلب در روابط جنسی نقش بازی می‌کند. برداشت زن از زن بودن و نظر مرد از مردانگی، اغلب با واکنش طرف مقابل ارتباط دارد. احساس صمیمیت، مورد پذیرش قرار گرفتن و لذت متقابل، تقویت کننده غریزه جنسی و کاهش عشق و صمیمیت و پذیرش، تضعیف کننده آن است (۷).

Berryman و همکاران اعتقاد داشتند آموزش جنسی فرصت یادگیری مسایل جنسی و جلوگیری از بروز برخی مشکلات را فراهم می‌کند. افراد به دلایل متعدد از جمله شناخت ناکافی از یکدیگر، مسایل جنسی و زندگی مشترک، مشکلات متعددی را تجربه می‌کنند. آموزش جنسی در کسب اطلاعات، اندیشه‌ها و مهارت‌ها به افراد کمک می‌کند. همچنین به افراد اطلاعات و آگاهی‌های جنسی لازم برای یک هدف مشترک و ارضای نیازها و تعادل در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی را ارایه می‌دهد. برنامه‌های آموزش جنسی جامع می‌تواند در پیشگیری از اختلالات جنسی، بروز رفتار جنسی سالم، افزایش رفتارهای بهداشتی، ایجاد بهداشت روانی، کسب هویت جنسی و برقراری سلامت خانواده مؤثر باشد (۸).

نصیری آشنایی با اصول رفتارهای جنسی را به عنوان بخش مهمی از زندگی فردی هر انسان و بسیار ضروری دانسته است. زیرا تمایلات جنسی یکی از انگیزه‌های مهم ازدواج، و نیز یکی از علل و عوامل مؤثر در طلاق و آسیب‌های خانوادگی است. حجب و حیا و فرهنگ جامعه نیز اجازه کسب دانش کافی در این زمینه را به افراد نداده است و اکثر خانواده‌ها اطلاعات خود را به صورت تجربی و یا به طور جسته و گریخته از افراد مختلف کسب نموده‌اند؛ که چه بسا موارد زیادی از این دانش‌ها نیز مبتنی بر انحرافات و

www.mui.ac.ir

رفتارهای غلط می‌باشد. لازم است هر خانواده‌ای قبل از ازدواج، دانش کافی در زمینه مسایل جنسی کسب نماید (۹). پژوهش حاضر درصدد بود اثربخشی آموزش جنسی را بر کاهش تعارض زناشویی زوجین مورد بررسی قرار دهد.

فرضیات پژوهش شامل موارد زیر است:

۱- آموزش جنسی بر کاهش نمره کل تعارض زناشویی مؤثر است.

۲- آموزش جنسی بر کاهش خرده مقیاس‌های تعارض زناشویی (ارتباط، اوقات فراغت، مسایل جنسی، حل مشکل، امور مالی، نقش‌های مساوات طلبانه و تعارض زناشویی) مؤثر است.

روش‌ها

این پژوهش، به روش نیمه تجربی و از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش این مطالعه کلیه زوجین مراجعه کننده به فرهنگ‌سرای خانواده شهر اصفهان در سال ۱۳۸۶ بودند. بدین منظور معیارهای ورود به مطالعه به صورت زیر تعریف گردید:

- نداشتن تعارض‌های حاد و بحرانی یا در آستانه طلاق بودن،
- نداشتن اختلالات حاد روانی- شخصیتی،
- عدم حضور قبلی در کلاس‌های آموزش جنسی یا مهارت زندگی،
- داشتن حداقل یک سال سابقه زندگی مشترک،
- داشتن حداقل مدرک تحصیلی سیکل.

در این طرح ۳۰ زوج (۶۰ نفر) به روش تصادفی ساده از بین مراجعین فرهنگسرای خانواده شهر اصفهان انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه مورد و کنترل قرار گرفتند. جهت شرکت نمونه‌ها بعد از تماس با آنان و انجام مصاحبه مقدماتی و تکمیل پروتکل (رضایت‌نامه کتبی از زوجین)، پیش آزمون در دو گروه صورت گرفت. سپس برنامه مداخلاتی، شامل یک برنامه آموزشی ۱۲ ساعته (۶ جلسه)، توسط مشاور به طور جداگانه برای آقایان و خانم‌های گروه مورد اجرا گردید. یک ماه بعد از آخرین جلسه آموزشی، پس آزمون از دو گروه به عمل آمد.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه استاندارد تعارض زناشویی مشتمل بر ۴۴ سؤال در ۷ قسمت رابطه با خانواده همسر، ارتباط با همسر، اوقات فراغت، رابطه جنسی، حل مشکل، امور مالی و نقش‌های مساوات طلبانه بود. پایایی و روایی پرسش‌نامه قبلا توسط محققین دیگر به دست آمده بود. در این مطالعه نیز ۵ نفر از استادان مشاوره و روانشناسی، روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه را مورد بررسی قرار دادند. همچنین برای پایایی پرسش‌نامه از ضریب χ^2 (۹۰٪) استفاده شد.

داده‌ها در نرم‌افزار SPSS وارد گردید و با استفاده از آزمون‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمارهای تحلیلی (تحلیل کوواریانس) تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها

به منظور آزمون فرضیات تحقیق، از روش تحلیل کوواریانس استفاده شد. در این روش، میانگین‌های پس آزمون پس از تعدیل کردن نمرات پیش آزمون مورد مقایسه قرار می‌گیرند. جدول ۱ و ۲ یافته‌های توصیفی مربوط به نمرات تعارض دو گروه آزمایش و کنترل را نشان می‌دهد.

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در گروه آزمایش، میانگین باقی‌مانده نمرات پس آزمون تعارض زناشویی و خرده مقیاس‌های ارتباط با همسر، مسایل جنسی، حل مشکل، نقش‌های مساوات طلبانه کمتر از میانگین همان نمرات در پیش آزمون است.

جدول ۲ نشان می‌دهد که در گروه کنترل، میانگین نمرات باقی‌مانده در پس آزمون تعارض زناشویی و خرده مقیاس‌های آن، کمتر از میانگین نمرات آن‌ها در پیش آزمون است.

نتایج مربوط به فرضیه اول در مورد تأثیر آموزش جنسی در کاهش تعارض زناشویی در جدول ۳ ارایه شده است.

پس از کنترل نمرات پیش آزمون، نتیجه تحلیل کوواریانس نشان داد که بین دو گروه در میانگین تعارض زوجین تفاوت معنی‌داری وجود داشت ($F = ۳/۵۴$ و $P < ۰/۰۵$). چنین نتیجه‌گیری می‌شود که آموزش جنسی

www.mui.ac.ir

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات کل تعارض زناشویی و خرده مقیاس‌های آن در گروه آزمایش بر حسب جنسیت

گروه		آزمایش					
آزمون		پیش آزمون			پس آزمون		
شاخص‌های آماری	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
ارتباط با خانواده	زن	۱۵	۹/۵۰	۳/۳۰	۱۵	۹/۱۰	۲/۱۰
همسر	مرد	۱۵	۸/۴۰	۳/۵۰	۱۵	۷/۵۰	۱/۹۰
ارتباط با همسر	زن	۱۵	۹/۷۰	۳/۱	۱۵	۶/۵۰	۱/۷۱
	مرد	۱۵	۹/۸۲	۲/۹۹	۱۵	۶/۴۲	۱/۷۵
اوقات فراغت	زن	۱۵	۱۸/۶۰	۵/۴۰	۱۵	۱۷/۶۲	۵/۱۶
	مرد	۱۵	۱۶/۶۰	۵/۴۴	۱۵	۱۴/۵۳	۴/۵۰
رابطه جنسی	زن	۱۵	۱۳/۲۰	۵/۵۰	۱۵	۸/۱۰	۳/۷۰
	مرد	۱۵	۱۰/۴۰	۳/۲۰	۱۵	۷/۴۰	۲/۴۰
حل مشکل	زن	۱۵	۲۲/۸۰	۶/۸۰	۱۵	۱۳/۷۰	۴/۱۰
	مرد	۱۵	۲۲/۱۰	۵/۳۶	۱۵	۱۳/۵۰	۳/۰۵
امور مالی	زن	۱۵	۱۲/۸۰	۳/۵۰	۱۵	۱۱/۷۰	۲/۳۰
	مرد	۱۵	۹/۷۰	۴/۷۰	۱۵	۹/۲۰	۲/۶۸
نقش‌های مساوات	زن	۱۵	۱۳/۴۰	۳/۹۰	۱۵	۸/۸۰	۲/۱۶
طلبانه	مرد	۱۵	۱۲/۸۰	۶/۰۶	۱۵	۸	۳/۷۵
تعارض زناشویی	زن	۱۵	۱۱۷/۳	۲۴/۲۴	۱۵	۸۷/۷۰	۱۹/۴۰
	مرد	۱۵	۱۰۰/۱۰	۲۳/۶۴	۱۵	۸۲/۸۰	۱۸/۵۶

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمرات کل تعارض زناشویی و خرده مقیاس‌های آن در گروه کنترل بر حسب جنسیت

گروه		آزمایش					
آزمون		پیش آزمون			پس آزمون		
شاخص‌های آماری	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
ارتباط با خانواده	زن	۱۵	۱۸/۵۰	۲/۳۰	۱۵	۱۷/۱۸	۲/۱۹
همسر	مرد	۱۵	۲۰	۲/۶۷	۱۵	۱۹	۲/۳۵
ارتباط با همسر	زن	۱۵	۱۲/۵۰	۲/۰۵	۱۵	۱۱/۵۰	۱/۷۱
	مرد	۱۵	۱۲/۸۹	۲/۹۹	۱۵	۶/۴۲	۱/۷۵
اوقات فراغت	زن	۱۵	۱۸/۶۰	۵/۴۰	۱۵	۱۷/۶۲	۵/۱۶
	مرد	۱۵	۱۶/۶۰	۵/۴۴	۱۵	۱۴/۵۳	۴/۵۰
رابطه جنسی	زن	۱۵	۱۳/۲۰	۵/۵۰	۱۵	۸/۱۰	۳/۷۰
	مرد	۱۵	۱۰/۴۰	۳/۲۰	۱۵	۷/۴۰	۲/۴۰
حل مشکل	زن	۱۵	۲۰/۳۹	۲/۱۸	۱۵	۲۰/۵۰	۲/۶۰
	مرد	۱۵	۲۱/۶۸	۲/۳۰	۱۵	۲۰/۸۹	۱/۶۰
امور مالی	زن	۱۵	۱۴/۱۴	۲/۶۰	۱۵	۱۴/۵۰	۲/۰۶
	مرد	۱۵	۱۴	۲/۰۲	۱۵	۱۴/۳۸	۱/۵۰
نقش‌های مساوات	زن	۱۵	۱۴/۲۵	۱/۵۷	۱۵	۱۴	۱/۵۸
طلبانه	مرد	۱۵	۱۴/۲۵	۱/۷۵	۱۵	۱۴	۱/۱۳
تعارض زناشویی	زن	۱۵	۱۲۵/۱۲	۶/۶	۱۵	۱۲۰/۴۰	۳/۷۴
	مرد	۱۵	۱۲۶/۷۰	۶/۶۸	۱۵	۱۲۱/۲۱	۵/۸۷

www.mui.ac.ir

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس جهت مقایسه میانگین باقی‌مانده نمرات تعارض زناشویی بر حسب عضویت گروهی

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری	ضریب اتا	توان آماری
تعارض زناشویی	۲۰۸/۲۴۸	۱	۳/۵۴	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۴۵

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس جهت مقایسه میانگین باقی‌مانده نمرات خرده مقیاس‌های تعارض زناشویی بر حسب عضویت گروهی

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری	ضریب اتا	توان آماری
ارتباط با خانواده همسر	۹۰/۶۷	۱	۵۰/۷۲	۰/۰۷	۰/۱۵۰	۰/۴
ارتباط با همسر	۸۰/۶۱	۱	۷۵/۲	<۰/۰۰۱	۰/۶۵۰	۱
اوقات فراغت	۳۴۰/۹۶۲	۱	۱۰۰/۴۹	۰/۳۶۰	۰/۰۱۰	۰/۱۷
رابطه جنسی	۲۰۸/۲۴	۱	۳/۵۴	<۰/۰۰۱	۰/۸۴۰	۱
حل مشکل	۲۶۸/۹	۱	۰/۴۹	۰/۱۲۰	۰/۰۱۰	۰/۲۸
امور مالی	۱۱/۰۷۴	۱	۰/۱۶	۰/۶۴۰	۰/۰۰۳	۰/۰۶
نقش‌های مساوات طلبانه	۱۹۸/۱۹	۱	۳۲۱/۶۰	<۰/۰۰۱	۰/۵۵۰	۱

باعث کاهش نمره کل تعارض زناشویی می‌شود. نتایج مربوط به خرده مقیاس‌های تعارض زناشویی در جدول ۴ آمده است نتایج جدول نشان می‌دهد که آموزش جنسی بر خرده مقیاس‌های ارتباط با همسر ($P < ۰/۰۵$)، رابطه جنسی ($P < ۰/۰۵$) و نقش‌های مساوات طلبانه ($P < ۰/۰۵$) مؤثر است و بر خرده مقیاس‌های ارتباط با خانواده همسر، اوقات فراغت، حل مشکل و امور مالی مؤثر نبوده است.

بحث

جداول ۱ و ۲ میانگین نمرات تعارض زناشویی زوجین را قبل و بعد از مداخله آموزشی بین دو گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهند. میانگین نمره‌های کسب شده در حیطه تعارض زناشویی پیش آزمون در گروه آزمایش، ۱۰۸/۵۶ و در گروه کنترل ۱۲۵/۴۱ بوده است. البته اختلاف معنی‌داری بین نمرات میانگین بین دو گروه در قبل از مداخله دیده نشد؛ اما بعد از مداخله آموزشی، میانگین نمره تعارض زناشویی در گروه آزمایش ۸۵/۲۵ و در گروه کنترل ۱۲۰/۸۰ بوده است که اختلاف معنی‌داری مشاهده شد.

آزمون تحلیل کوواریانس (جدول ۴) حاکی از اختلاف معنی‌داری در نمرات تعارض زناشویی در گروه آزمایش بعد از مداخله آموزشی بود ($P < ۰/۰۵$، $F = ۴۱۶/۹$). از این‌رو با توجه به جداول ۳ و ۴ می‌توان مشاهده کرد که مداخله آموزش جنسی در خرده مقیاس‌های ارتباط با همسر ($P < ۰/۰۵$، $F = ۷۵/۲$)، رابطه جنسی ($P < ۰/۰۵$، $F = ۳/۵۴$)، نقش‌های مساوات طلبانه ($P < ۰/۰۵$، $F = ۳۲۱/۶۰$) مؤثر بوده است. این یافته با نتایج پژوهش رحیمی و شمس، مبنی بر اینکه روابط جنسی در زوجینی که ارتباط کلامی و زناشویی مناسبی دارند مطلوب‌تر است، هم‌خوانی دارد (۱۰). همچنین ژاکبسون به نقل از جهانفر و مولایی‌نژاد در تحقیقات خود نشان داد که مرکز مشاوره آمریکا ٪۷۸ اختلافات زناشویی را مشکلات ارتباطی می‌داند و در پشت مشکلات جنسی، مشکلات رابطه‌ای اساسی‌تری وجود دارد (۱۱). تحقیق امیریان‌زاده که بر روی ۱۲۰ زن انجام گرفت، نشان داد که تمایل روابط جنسی در زنان ٪۳۹/۲، احساس عصبانیت بعد از فعالیت جنسی ٪۵۹/۱ بوده است و ٪۶۶/۸ ابراز داشته‌اند که بعد از رابطه جنسی محبت نمی‌بینند. بدین معنا که وجود دایمی خشونت و عصبانیت بین زن و مرد مانع از برقراری روابط جنسی مطلوب بین آن‌ها است (۱۸).

نتایج پژوهش عبدالمحمد و همکاران که بر روی ۱۹۲ نفر

www.mui.ac.ir

انجام شد، نشان داد که بین باورهای ارتباطی و خرده مقیاس‌های تعارضات زناشویی در مؤلفه‌های کاهش رابطه جنسی، ارتباط معنی‌دار وجود دارد (۱۲).

پژوهش‌های Byers و Demmons (۱۳)، Oggins و همکاران (۱۴) و نیز Young و Luquise (۱)،متغیر ارتباطی را در فهم رضایت جنسی بسیار با اهمیت دانسته‌اند. ارتباط و خود ابرازی در مورد روابط جنسی با رضایت جنسی در ازدواج ارتباط دارد. Byers و Demmons معتقدند که افرادی که نیازها و خواسته‌های جنسی خود را بیان می‌کنند، رضایت جنسی بالاتری دارند. یافته‌های آن‌ها مبنی بر این ادعا است که خود ابرازی جنسی در هنگام خود ابرازی هم اتفاق می‌افتد. علاوه بر رابطه در خصوص مسایل جنسی، اشکال کلی‌تر از رابطه هم می‌تواند پیش بینی کننده رضایت جنسی باشد (۱۳). پژوهش دیگری، روابط حمایت کننده را با بررسی موارد زیر مورد ارزیابی قرار داده است: «آیا همسران به سخنان هم گوش می‌کنند؟ آیا به هنگام بحث‌های جدی با هم، وجه مشترک دارند؟ تمایل به ارتباط دارند؟ نظرات همدیگر را می‌فهمند؟ مباحث بسیاری برای گفتگو دارن؟ دیدگاه دیگری را واضح بیان می‌کنند؟ احساس حقارت نمی‌کنند؟ و حالت دفاعی در برابر هم ندارند؟» نتایج نشان می‌دهد که روابط حمایت کننده به طور مثبت با رضایت جنسی ارتباط دارد (۱۵).

سرانجام، مقیاس‌های ارتباطی دیگر، چون صمیمیت، عاطفه جسمانی، رضایت هیجانی و عشق با رضایت جنسی ارتباط دارد (۱). دانش رابطه رضایت جنسی را با رضایت زتاشویی زوجین مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد هر چه میزان رضایت از روابط جنسی بیشتر شود، میزان رضایت از روابط زناشویی نیز افزایش می‌یابد و هر چه از زمان ازدواج می‌گذرد، میزان رضایت زناشویی بیشتر می‌شود (۱۶).

در نتایج پژوهش هنرپروران علت نارضایتی جنسی، روابط خانوادگی آشفته، بی‌توجهی به تمایلات و نیازهای زن، عدم تشابه و هماهنگی جنسی، تأثیر مسایل و مشکلات روزمره، فقدان معلومات جنسی، رابطه عاطفی ضعیف، وجود احساس گناه حین مقاربت، نگرش منفی درباره مسایل جنسی، عدم پیش نوازی، تقاضاهای آزار دهنده، عدم توانایی مرد در راضی ساختن همسر و تجارب نامطلوب جنسی قبل از ازدواج گزارش شده است (۱۷).

در تحقیق امیریان‌زاده بیان شده است که صمیمیت جنسی با صمیمیت عاطفی در ارتباط است و مشکلات جنسی طیف گسترده‌ای از پویایی‌های آشکار و نهان احساسات و عواطف را متأثر می‌سازد. این تحقیق بر روی ۱۲۰ زن متأهل در شهر شیراز انجام شد که نتایج نشان داد ۶۸/۱٪ از زنان تمایل به روابط جنسی نداشتند، ۵۹/۱٪ احساس عصبانیت بعد از فعالیت جنسی داشتند، ۶۶/۳٪ از زنان از معاشقه لذت نمی‌بردند و ۶۶/۸٪ بعد از روابط جنسی محبت نمی‌دیدند (۱۸).

نتایج مطالعه بزمی نشان داد که آموزش مهارت‌های جنسی در همسران ناسازگار باعث افزایش رضایت جنسی و زناشویی و سازگاری آن‌ها شده است (۱۹).

Maccarthey رابطه مهمی بین رضایت زناشویی و رضایت جنسی یافته است. او بیان کرد که وقتی رابطه جنسی به خوبی انجام شود، میزان رضایت زناشویی همسران هم بالاتر است. از طرف دیگر، زمانی که رابطه جنسی به خوبی انجام نشود، سایر روابط همسران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشکلات جنسی افزایش می‌یابد و صمیمیت و شور و نشاط ازدواج از میان می‌رود (۲۰).

شادکامی کلی زناشویی با رضایت جنسی رابطه دارد. زوج‌های شادکام نسبت به زن و شوهرهای ناشاد از زندگی جنسی خود خشنودترند. زوج‌های شادکام نسبت به زوج‌های ناشاد ارتباط جنسی بیشتری دارند. صمیمیت جنسی در ازدواج با صمیمیت عاطفی رابطه دارد. شاید رضایت‌مندی جنسی به این خاطر منجر به یک ازدواج شادتر می‌گردد که بر پاداش‌های مرتبط با زوجین می‌افزاید (۲۱).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آموزش جنسی تعارض زناشویی و خرده مقیاس‌های ارتباط با همسر، رابطه جنسی، حل مشکل و نقش‌های مساوات طلبانه را کاهش می‌دهد.

تشکر و قدردانی

در پایان پژوهشگران از نمونه‌های تحقیق به دلیل شرکت در طرح و نیز همکاران محترم فرهنگ‌سرای خانواده شهر اصفهان به دلیل همکاری با طرح و نیز استادان گروه مشاوره جهت راهنمایی و هدایت این طرح، تقدیر و تشکر و سپاس‌گزاری می‌نمایند.

References

1. Young M, Luquis R. Correlates of Sexual Satisfaction in Marriage. Canadian Journal of Human Sexuality 1998; 7: 115-27.
2. Farahbakhsh K. Compare the effectiveness of marital counseling to cognitive Ellis, reality therapy Glaser and mixing the two in reducing marital conflict [MSc Thesis]. Isfahan: School of Humanities, The University of Isfahan; 2004. p. 45-50.
3. Ghorbanali Pour M. Review the effectiveness of couples therapy approach to lifestyle changes to increase marital satisfaction of couples residing in the city [MSc Thesis]. Isfahan: School of Humanities, The University of Isfahan; 2005. p. 54-61.
4. Rice FP. Intimate relationships, marriages, and families. New York: Mayfield Pub. Co; 1996.
5. Faghir Pour M. Social skills and marital adjustment. Rasht: Press Welfare Organization of Guilan Province; 2004. p. 4-7.
6. Baucom DH, Hahlweg K, Atkins DC, Engl J, Thurmaier F. Long-term prediction of marital quality following a relationship education program: being positive in a constructive way. J Fam Psychol 2006; 20(3): 448-55.
7. Beck AT. Love is never enough. Trans. GhrecheDaghei M. Tehran: Sadra Publication; 2006. p. 231-2
8. Berryman JC, Hargreaves D, Herbert M, Taylor A. Developmental Psychology and You. London: British Psychological Society; 2001. p. 9-275
9. Nasiri M. Secret family survival. Tehran: Boshra Publication; 2001. p. 70-5
10. Rahimi M, Shams AH. Reviews important factors in improving sexual partners. Proceedings of the 3rd Congress of Family and Sexual Health; 2007 Dec 6-8; Tehran, Iran; 2007.
11. Jahanfar SH, Molai Nezhad M. Textbook sexual disorders. Tehran: Salemi Publication; 2005. p. 7-9.
12. Abdolmohammad K, Pour Luminous R, Rad Adib N. Comparison of beliefs about marital communication and conflict similar to women referred to family court. Proceedings of the 2nd Congress of Pathology in Iran; 2006 May 25-27; Tehran, Iran; 2005 . 2012.
13. Byers ES, Demmons S. Sexual Satisfaction and Sexual Self-Disclosure within Dating Relationships. The Journal of Sex Research 1999; 36(2): 180-9.
14. Oggins J, Leber D, Veroff J. Race and gender differences in Black and White newlyweds' perceptions of sexual and marital relationships. The Journal of Sex Research 1993; 30(2): 152-60.
15. Sprecher S, Metts S, Burleson B, Hatfield E, Thompson A. Domains of expressive interaction in intimate relationships: Associations with satisfaction and commitment. Family Relations 1995; 44: 203-10.
16. Danesh A. Relationship between sexual satisfactions of couples with marital satisfaction. Proceedings of the 1st Congress of Family Pathology; 2004 May 21-23; Tehran, Iran; 2004. 2012.
17. Honar Parvaran N. The Relationship between psychological factors and family in the sexual satisfaction of married women in Shiraz. Proceedings of the 2nd Congress of Family Pathology; 2006 May 25-27; Tehran, Iran; 2006.
18. Amirian Zadeh M. The study of some variables related to sexual pleasure in women in Shiraz's. Proceedings of the 2nd Congress of Family Pathology; 2006 May 25-27; Tehran, Iran; 2006.
19. Bazmi N. The effect of treatment group cognitive - behavioral skills and problem solving skills for increase marital sexual satisfaction in disadjustment couple. Proceedings of the 2nd Congress of Family Pathology; 2006 May 25-27; Tehran, Iran; 2006.
20. McCarthy BW. Marital Style and Its Effects on Sexual Desire and Functioning. Journal of Family Psychotherapy 1999; 10(3): 1-12.
21. Sapyngtun A. Mental Health. Trans. Hussain Shahi Baravati HR. Tehran: Ravan Publication; 2006. p. 4-8.

Effects of Sex Education on Reducing Conflicts among Couples, Isfahan, Iran

***Marzieh Shahsiah*[1], *Fateme Bahrami*[2], *Ozra Etemadi*[3], *Siamak Mohebi*[4]**

Abstract

Background: Conflicts are inevitable among couples. In fact, couples show various levels of independence and correlation in common decisions they make and cooperation they have. High levels of conflicts would lead to family dissociation. The present study tried to evaluate the relation between sex education and on reducing the overall marital conflict score and its dimensions such as relationship with the spouse, sexual relationship, and equalization roles.

Methods: This quasi-experimental study pretest-posttest and a control group was performed on 30 couples who were randomly selected from the cultural centers of Isfahan. The couples were divided into experimental and control groups. Data was collected by the standard marital conflict questionnaire which is based on a Likert scale. The questionnaire also included demographic characteristics.

Findings: The results of covariance analysis showed that sex education improved the scores of marital conflicts ($P < 0.05$; $f = 416.9$) and its subscales such as the relationship with the spouse ($P < 0.05$; $f = 75.2$), sexual relationship ($P < 0.05$; $f = 3.56$), and equalization roles ($P < 0.5$; $f = 321.60$).

Conclusion: Sex education increased sexual satisfaction and decreased conflicts by increasing affection, and appropriate emotional relationships.

Keywords: Sex Education, Marital Conflict, Couples.

1- MSc, Department of Family Services, Department of Educational Sciences and Psychology, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: marzie_shahsiah@yahoo.com
2- Associate Professor, Department of Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran.
3- Assistant Professor, Department of Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran.
4- Lecturer, PhD Candidate in Qom University of Medical Sciences, Department of Health Education, School of Public Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.